

اسناد خطی شهر غلغله

(۳)

فال نامه

در دوشم - ساره مجله تحت عنوان «اسناد خطی شهر غلغله» راجع به چند پارچه خطی صحبت نمودیم که در اثر دو روزه حفریات در سال ۱۹۳۱ از خرابه های ارگ شهر غلغله بامیان بدست آمده واصل و عکس های این مجموعه که در حدود یازده قطعه خورد و بزرگ است در اطاق با میان در موزه کابل محفوظ میباشد. در قطعات مذکور آنچه مهم بنظر خورد دوسه مکتوب است که متن یکی در شماره (۸۴) و متن دیگری در شماره (۸۶) داده شده است و به استناد یک پارچه دیگر که در آن به صراحت تاریخ نوشته شده است معلوم شد که اقلاباً یکی از این پارچه ها (نه تمام مجموعه) در سال ۶۰۷ هجری قمری یعنی یازده سال قبل از رسیدن چنگیز به بامیان تحریر شده است. چون حالا موضوع اسناد خطی بامیان در میان آمده است میخوانم به سلسله دو مقاله گذشته این دفعه کتاب مستقلی را به خوانندگان گرامی معرفی کنم که چند سال پیش بهیث کتابی مکشوف از شهر غلغله برای موزه کابل خریداری شده است.

این کتاب سر و آخر ندارد. دارای (۳۴۹) صفحه است کاغذ آن عموماً زرد رنگ و کلفت یعنی از همان کاغذ های قدیم است معذالک اگر نیک دقت شود تمام اوراق کتاب یکسان نیست بلکه از نقطه نظر رنگ و جلا فرقی محسوس میشود به این ترتیب که از آغاز تا صفحه ۱۴۲ (به استثنای ۵۲ صفحه اول) کاغذ نسبتاً سفید تر است و جلای خفیف دارد و بقیه اوراق تا آخر کتاب کلفت تر میباشد (۵۲) صفحه اول هم از همین جنس کاغذ اخیر است.

این ملاحظات از نقطه نظر تفکیک مند رجعات کتاب و شیوه رسم الخط و ممیزات آن که بعدتر خواهیم دید مهم و با دلایل دیگر پارا فقا در میسازد که کتاب را به دو قسمت مشخص تقسیم کنیم که صفحه (۱۴۲) حدفاصل آنست روی هم رفته کتاب تمام به سیاهی نوشته شده (در قسمت اول سیاهی آبگین و در قسمت دوم غلیظ است) و در قسمت ثانی در حصص مختلف عناوین برنگ های سبز و سرخ و زعفرانی و طلا گرفته شده قطع متن صفحه کتاب ۸×۵/۵۰ سانتی است با تارک زرد و سرخ شیراز بندید شده پشتی چرمی خام سرخ رنگ دارد که حتماً بعد ها به آن چسپانیده شده .

این کتاب که در حقیقت شکل مجموعه دارد در قسمت اول شامل هفت هیكل دعاها، نماز حاجات، تسبیح ها، مناجات ها، صورت دیدن هلال، پیش بینی کسوف، کشف ساعات سعد برای تعویذ نویسی و سایر مطالب پراکنده است در قسمت دوم مضامین مختلف دارد ولی این مضامین به رسایبلی تقسیم شده از قبیل: اختیارات الایام، جواهر ادعیه، کتاب قرعه و نجوم [۱] که حصه های اساسی کتاب را تشکیل میدهد و اینجا به ترتیب صفحات عجلالتاً عناوین برجسته و حصص متمایز آنرا از سر تا آخر بصورت فهرستی میدهم و بعد راجع به ثبوت دو قسمت کتاب اظهار نظر میکنیم:

هفت هیكل: [از صفحه ۹ تا صفحه ۲۲]

دعاها [صفحه ۳۳ و ۳۴] از قبیل: دعای بعد از نان، دعای داخل شدن در شهر دعائی که در وقت سوار شدن برستور خوانده شود و غیره .

اسناد دعای استفتاح [از صفحه ۳۵ تا صفحه ۵۱]

نماز حاجات تسبیح دعاها: [از صفحه ۵۲ تا صفحه ۷۰]

تعویذ و افسون [از صفحه ۷۱ تا صفحه ۷۸]

مناجات کن فیکون نماز حاجات تسبیح و اخبار صحابه و مفسرین درین

(۱) رساله اخیر در باب نجوم و تاثیر ستاره ها بر حیات انسانی تحریر شده ولی اسم مشخص رساله معلوم نشد .

باب‌ها [از صفحه ۷۹ تا صفحه ۱۱۰]

تعویذخواجه امام زاهد به نس سکاوندی : از صفحه [۱۱۱ تا صفحه ۱۲]

اخبار ودعاهای متفرق [از صفحه ۱۲۱ تا صفحه ۱۲۳]

اسناددعای وبا [از صفحه ۱۲۳ تا ۱۳۱]

حساب سال گشتن و بعض دعاهای و یادداشت‌ها [از صفحه ۱۳۲ تا صفحه ۱۴۳]

اختیارات الایام: [از صفحه ۱۴۴ تا صفحه ۱۵۷] رساله ایست در باب اسماء و خیراص

سی روز ماه این رساله تسلسل معلوماتی است که از ادب اوستائی و پهلوی سرچشمه

گرفته و با تعدیل و تغییرات ذهنیت اسلامی اساس قدیم تر آن معلوم میشود :

جواهر ادعیه: [از صفحه ۱۵۸ تا صفحه ۱۹۴] رساله ایست هشتاد

بر پنج باب بدین قرار: [۱] ادعیه سلطان (۲) ادعیه ایام و سادات

(۳) ادعیه اوقات (۴) ادعیه روز جمعه (۵) ادعیه حوایج و حادثات

صفحه ۱۹۴ : ماه نورا در چه باید نگریست .

صفحه ۱۹۷ : دو یادداشت راجع به مولود و وفات : این یادداشت‌ها که در

موقعش متن آنرا خواهیم داد بسیار مهم است و در ماههای محرم و جمادی الاخر

سال ۵۸۳ هجری قمری نوشته شده و صاحب کتاب از صفحه سفید آغاز رساله‌ئی

استفاده نموده و این یادداشت‌ها را قید کرده است .

کتاب قرعه: (از صفحه ۱۹۸ تا صفحه ۲۴۶) هر حصه متن با حروف درشت

طلا محاط با خطوط سرخ جدا شده و بعد از قرعه برداشتن مطابق علایم حروف

حصه معینه خوانده میشود .

از صفحه ۲۴۷ تا ۲۵۴ جادو و افسون و اشکال افلاك و ستارگان

کشف روی طالع: (از صفحه ۲۵۳ تا صفحه ۲۶۶)

نجوم [از صفحه ۲۶۸ تا صفحه ۳۴۹] آخر کتاب ناقص است .

این مجموعه در فهرست کتب قلمی موزه کابل بنام « فالنامه » قید شده

و این اسم اسمی است وضعی که نظر به محتویات کتاب و ارتباط اکثر مضامین

رسایل و منتخبات آن به فال و فال بینی با اینک اسم اصل نیست چند ان بی مورد هم نمیشد .

مجموعه اوراقی را که در کتاب فال نامه شیرازه بندی شده از روی نوعیت کاغذ [نازکی و کلفتی و رنگ] و روش رسم لحظه و ممیزات آن به دو قسمت میتوان تقسیم نمود : قسمت اول از آغاز تا صفحه ۱۴۲ و قسمت دوم از صفحه ۱۴۴ تا آخر کتاب . اگر چه سر و آخر کتاب کمبود است و در قسمت اول مضامین متفرقه زیاد دارد و در قسمت ثانی در سر و آخر متن رسایل تاریخی بنظر نرسید معذالک در قسمت اول و دوم دو سنه دیده میشود صریح و واضح که اینک در اطراف آن اظهار نظر میشود :

قسمت اول : درین حصه سنه در صفحه (۱۱۰) کتاب آمده و قرار فهرست محتویات که باقی صفحات پیشتر ذکر نمودیم صفحه [۱۱۰] آخر مبحث مناجات کن فیکون است که در آن شرحی راجع به نماز حاجات و تسبیح و اخبار صحابه و مفسرین در این باب هاداده شده و اتفاقاً صفحه ایست که در آن اخبار مربوط به یک سلسله تسبیح ها تمام شده و بعد از آخر صفحه دو سطر هم در حاشیه نوشته شده و راقم گوید : « هر که سه بار بامداد و دو بار شب این تسبیح ها را بگوید اگر آسمان بر زمین افتد این بنده در میان هر دو سلامت باشد خدای عزوجل بران بنده رحمت کند که این نماز ها بکنند و این تسبیحها توفیق یابد از حق که بکنند نویسنده را بدعای ایمان یاد دارد و مادر پدر وی را با جمله گمی امت مصطفی علیه السلام کتبه دولت شاه بن حی بن محمد تولکی بتاريخ ماه ذی قعدة سنه احدی عشر و ستها جمله [دولت شاه بن حی بن محمد تولکی] هیچ نقطه ندارد معذالک از روی سواد خط واضح معلوم میشود که اسم خطاط و نویسنده این تسبیحها [دولت شاه] بوده و اسم پدر او را باید حدس زد و خوانندگان خود میدانند که به قرینه صور مختلف از آن خواننده میشود اسم حدس که البته [محمد] است و کلمه آخر را بنده [تولکی] خوانده ام و میگویم که [تولک] از توابع هرات موط - ن و مسقط الراس دولت شاه مذکور بوده و یک دلیل ضمنی هم که به تائید این مطلب دارم این است که در یکی از صفحات قسمت اول کتاب [صفحه ۹۲] در ذیل [اسمای ادبا]

و این بنده از دنیا بیرون نشود تا نظای را عذر و جل اندر خواب
نه بیند و هر کس صدای را عذر اسم در خواب دید و نگردد که چگونه
دید و صفت نکند چگونه تا مشبه نباشد و صدای عذر و جل مدین
بنده را بهر ایتمی که اندر نماز خوانده بود ثواب حج و عمره
و روز قیامت این بنده در جمع پیغامبران باشد صلوات الله
علیهم اجمعین و هزار هزار فرشته بفرستند این دعا را و جل
تا بد جنازه و این بنده نماز کند و بد جنازه روی بدوند تا بسد
کوروی چون او را در کور نهند کور خود را در مخداری بیند
از مردمان های بهشت و سوال کور را جواب بد هد به آسانی
فرمان صدای عذر و جل خون از کور بد اندیز آید روی او چون
ماه شب چهارده باشد و دیدار خود بانی همه شما بد مش
خبر بخند الله بن مسعود رضی الله عنه که

پیغامبر گفت صلی الله علیه و آله وسلم هر کس روز آدین اندر
ماز جب - چهار رکعت نماز کند میان نماز پیشین و نماز دیکر
خواند اندر هر رکعت الحمد یکبار و آیه الکرسی هفت بار و قل هو الله احد

خدای تعالی هزارها پد تا بد ای این بنده هزار هزار نیکی بنویسند
 و هزار هزار بدی پاک کنند از نامه او و نامه وی بدست
 راست دهند و عذاب کورش نباشد و فشارش کورش
 نباشد و تنگی مارکی کورش نباشد **حسب** راست از غامبو
 معلی علیه علیه و سلم کی خدای عز و جل فرشته است لیست در دیای سفید
 او را سیصد هزار سواست اندر هوسری سیصد هزار رو بیست
 و بد هر وی سیصد هزار دهن است و اندر هر دهانی سیصد هزار
 زبانست بهوزبانی سیصد هزار لغت خدای عز و جل تشبیه کند که آن
 بد دیگری نماید نام این نوشته رو بایید است و از تشبیهها این نوشته
 کی است **سبحان الذی لا یغنی عن عباده شیئاً سبحان الذی لا یغنی عن عباده شیئاً**
للملک المقدمین رب الملائکة و الروح سبحان الله العلی
لکاعلی سبحان من علی فی الهوا سبحان الله و تعالی
سبحان الله و حمده هرکس سه بار بامداد و سه بار شب این
 تشبیهها را بگوید آنگاه آسمان بدینین افتد این بنده در میان هر دو
 اسلامت باشد خدای عز و جل بد آن بند رحمت کند که این بارها بکند

و این نسخهها توفیق یابد از حق که بکند نویسنده را بدعای این یاد دارد و طرد و بدو برود را
 با حلی امت و صفی علیه السلام که در اسما رحلی رهمر تولکی سارک ماه در لعدره که انصاری سر کرده

قسمت اول فالنامه، صفحه (۱۱۰) صفحه اخیر رساله مناجات کن فی کون. بخط (دولت شاه
 بن حبشی بن محمد تولکی).
 در متن مقاله بعثت بودن نقطه در جمله فوق در خواندن اسم پدر و مسقط الراس
 کتاب تردد نشان داده شده است خوشبختانه بعد ترغیر از این صفحه در صفحه دیگر کتاب
 اسم کتاب و پدر وجد و مسقط الراس او با تمام نقطه دیده شد و در صحت اسما شبهه می
 باقی نماند و از آن در مقاله آینه بعث میشود.

تنها به ذکر نام های هفت هشت نفر از بانی هروی اکتفا شده است و پس شبیه‌ئی نیست که سینه و تاریخ و نام نویسنده به ترتیبی که ذکر شده اقلأ در مورد يك حصه معین قسمت اول مجموعه فال نامه صدق میکند و مطلبی است صریح و نا بت و موثق. چون قزاز یکسکه گفتیم روشن و ممیزات رسم الخطه متون فارسی: (زیرا حصی از قبیل متن دعاها و تسبیح‌ها عبری هم دارد) در تمام قسمت اول تقریباً يك چیز است گمان غالب بران میرود که همه این قسمت از نقطه نظر خط بقلم یکنفر (دولتشاه) نوشته شده باشد و اگر در يك موقع و در يك تاریخ نوشته نشده باشد به تفاریق تجریر شده و اگر در صورت آخر بالفرض بقلم یکنفر نباشد سنه تجریر آن در حوالی همان سال ۶۱۱ هجری قمری دور میزند.

شیوه خط قسمت اول کتاب فال نامه (یعنی خط دولتشاه نو لکی) شباهت زیاد به شیوه خط نسخه خطی التفهیم ابوریحان بیرونی دارد که جلال همائی بنام نسخه (حسن) یاد کرده (۱) و در سال ۵۹۳ هجری قمری یعنی ۱۸ سال قبل از قسمت اول فال نامه بقلم محمد بن حسن بن ابی نصر بن حسن بن محمد منجم نوشته شده است و حین مطالعه رسم الخط و ممیزات کتاب درین باب مفصل‌تر بحث خواهم نمود. *شکوه علوم انسانی و مطالعات تاریخی*

قسمت دوم: این حصه که بحساب نسخه از (۱۴۴) تا آخر کتاب

(صفحه ۳۴۹) را دزبر میگیرد از نقطه نظر کاغذ و سیاهی و شیوه خط با قسمت اولی متمایز و مندرجات آنها مانند آن حصه پراگنده نمیباشد بلکه شامل موضوعات معینی است که اینجا در فهرست محتویات بنام رسایل: اختیارات الایام، جواهر ادعیه، کتاب قرعه و نجوم ازان‌ها اسم بردیم. متأسفانه با دقتی که تا حال بعمل آمده در سر و آخر این رسایل کدام سنه و تاریخی مر بوط به متن یکی از آنها دیده نشده ولی در صفحه (۱۹۷) که اصلاً سفید بوده و در روی دیگر آن (صفحه ۱۹۸) کتاب قرعه آغاز شده

(۱) صفحات (صبح) و (صط) مقدمه آقای جلال همائی مصحح و شرح کننده کتاب التفهیم تالیف استاد ابوریحان بیرونی چاپ چابخانه مجلس ملاحظه شود.

است دویا دداشت راجع به مولود و وفات دونفر در سال ۵۸۳ هجری قمری
تحریر شده که متن آن قرار آتی است .

« مولود فرزند عزیز احسان الدین عزیز الاسلام زیده رفیعا در شب سه
شنبه نماز خفتن پنجم ماه محرم سه ثلث و ثمانین و خمس ماء »

* * *

« وفات الدین خداوند امیر اسفہسا لارا جل کبیر موید بظفر منصور
عادل جمال الدواله والدین ظہر الاسلام والمسلمین سبہدار خراسان رحمۃ اللہ
روز دوشنبہ بتاریخ الثالث جمادی الاخر سنہ ثلث و ثمانین و خمس ماء خدای
تعالی برورحمت کناد و کناہان اوراعفو کناد بران مسلمان رحمت کناد
کی اورا دعاء خیر یباد دارد »

عجا لئا اینجا به هویت این متولد و متوفی کاری نداریم بحث ما در
تاریخ قسمت دوم فال نامه است و سال ۵۸۳ هجری قمری را باقید دویا دداشت
در صفحه سفید مقدم بر آغاز یکی از رسایل آن یافته ایم . گمان غالب برین
میرود که چند رساله : (اختیارات الایام ، جواهر ادعیہ ، کتاب قرعہ
ورسالہ نجوم) کہ بیک شیوہ خط واحد حتی بیک دست نوشته شدہ روزی بحیث
یک کتاب یا یک مجموعہ وجود خارجی داشته باشد . آیت سال ۵۸۳ هجری قمری
را میتوان سال تحریر (سال تالیف) مطالعہ و تدقیق دیگر میخواهد (رسایل
فوق دانست ؟ یا اقلامی میتوان آنرا بحیث تاریخ کتابت قرعہ قبول کرد ؟
گمان غالب برین میرود کہ قسمت دوم فال نامه بحیث یک مجموعہ سالها
قبل از زمان یباد داشت های فوق و جود داشته و طوریکہ
معمول بود و هست یباد داشت کنندہ شاید مالک مجموعہ در صفحہ اول آن
کہ سفید بود یباد داشت های مطلوب خود را گرفته است از روی ممیزات سبک
و مختصات رسم الخط بندہ به این عقیدہ ہستم کہ قسمت دوم فال نامه در اواخر قرن
پنجم یا اقلاد در سال های اول قرن ششم وجود خارجی داشته آنچه این نظریہ
را بہ پیش خودم نائید میکنند شیوہ رسم الخط آنست کہ باز عین نمونہ آنرا
در نسخہ خطی دیگر التفہیم سراغ دارم کہ تحت نمرہ ۱۵۲۱ در کتابخانہ

مجلس شورای ملی ایران میباشد و بسال ۵۳۸ هجری قمری نوشته شده و آقای جلال همائی مصحح و شارح کتاب التفهیم لا وایل صناعة التنجیم استاد ابوریحان بیرونی آنرا خطی نلث خوانده که بعقیده ایشان در قرن چهارم و پنجم هجری متداول بوده و مختصات آنرا مطالعه خواهیم نمود .

نسبت به یسکی از ورق پاره‌های که از شهر غلغله پیدا شده و بسال ۶۰۷ هجری قمری سنه دارد قسمت اول فال نامه (تحریر در ۶۱۱ هجری) ۵ سال موخرتر و یادداشت‌هایی که در قسمت دوم آن یافته‌ایم [تحریر در ۵۸۳ هجری] ۲۴ سال مقدم‌تر میباشد و چون چنگیز خان در سال ۶۱۷ هجری قمری وارد بامیان شده است فال نامه تماماً بدون فرق قسمت اول و دوم به دوره پیش از مغل تعلق میگیرد و چون آثار زبان دری این دوره محدود و انگشت شمار است صرف نظر از موضوع کتاب که شاید نزد همگان چند آن مهم تلقی نشود از نقطه نظر زبان و سبک تحریر و شیوه بیان و روش نگارش و ممیزات رسم الخط و اصطلاحات و لغات سجع پارینه دری در عداد آثار قرار میگیرد که از نقطه نظر سبک شناسی به دوره قدیم نثر دری یا سبک سامانی تعلق دارد و استاد ملک الشعراء بهار حدود آنرا بین ۳۰۰ و ۴۵۰ هجری قمری معین کرده و دامنه زمان آنرا تا قرن ۶ ممتد نموده اند. ~~کتابها نمی‌توانند~~ ~~ببینیم~~ ~~نیست~~ ~~که~~ ~~بدین~~ ~~سبک~~ ~~آثاری~~ ~~از~~ ~~نیمه~~ ~~اول~~ ~~قرن~~ ~~چهارم~~ ~~تا~~ ~~اواخر~~ ~~قرن~~ ~~۶~~ ~~موجود~~ ~~است~~ ~~و~~ ~~قسمت~~ ~~اول~~ ~~فال~~ ~~نامه~~ ~~چند~~ ~~سالی~~ ~~از~~ ~~قرن~~ ~~ششم~~ ~~تجاوز~~ ~~میکند~~ ~~اما~~ ~~ملفتت~~ ~~باید~~ ~~بود~~ ~~که~~ ~~اول~~ ~~میان~~ ~~قسمت~~ ~~اول~~ ~~و~~ ~~قسمت~~ ~~دوم~~ ~~کتاب~~ ~~از~~ ~~هر~~ ~~حیث~~ ~~فرق~~ ~~بارز~~ ~~موجود~~ ~~است~~ ~~و~~ ~~ثانیاً~~ ~~بسیار~~ ~~مثال~~ ~~ها~~ ~~در~~ ~~دست~~ ~~است~~ ~~که~~ ~~برخی~~ ~~آثار~~ ~~با~~ ~~اینکه~~ ~~از~~ ~~روی~~ ~~سنه~~ ~~تالیف~~ ~~و~~ ~~تحریر~~ ~~بر~~ ~~برخی~~ ~~دیگر~~ ~~بسیار~~ ~~موخرتر~~ ~~اند~~ ~~اما~~ ~~از~~ ~~روی~~ ~~روانی~~ ~~عبارت~~ ~~،~~ ~~کوتاهی~~ ~~فقره~~ ~~ها~~ ~~،~~ ~~کسی~~ ~~لغات~~ ~~عربی~~ ~~و~~ ~~کثرت~~ ~~لغات~~ ~~کهنه~~ ~~دری~~ ~~و~~ ~~دیگر~~ ~~مشخصات~~ ~~سبک~~ ~~با~~ ~~آثار~~ ~~اولیه~~ ~~نثر~~ ~~دری~~ ~~مثلاً~~ ~~نثر~~ ~~بلعمی~~ ~~همسری~~ ~~میکند~~ ~~و~~ ~~این~~ ~~تا~~ ~~حدی~~ ~~ز~~ ~~یاد~~ ~~مر~~ ~~بو~~ ~~ط~~ ~~به~~ ~~موضوع~~ ~~کتاب~~ ~~،~~ ~~و~~ ~~محل~~ ~~تالیف~~ ~~و~~ ~~ترجمه~~ ~~اثر~~ ~~و~~ ~~تأثیر~~ ~~نفوذ~~ ~~زبان~~ ~~عرب~~ ~~در~~ ~~آن~~ ~~نقطه~~ ~~،~~ ~~میباشد~~ ~~قدر~~ ~~مسلّم~~ ~~این~~ ~~است~~ ~~که~~ ~~به~~ ~~استثنای~~ ~~(~~ ~~ایدون~~ ~~)~~ ~~و~~ ~~(~~ ~~ایذر~~ ~~)~~ ~~بجای~~ ~~(~~ ~~چنین~~ ~~)~~ ~~و~~ ~~(~~ ~~اینجا~~ ~~)~~ باقی تقریباً تمام مشخصات قدیم‌ترین نثر دری در رسایل قسمت دوم فال نامه دیده میشود

و از نقطه نظر ممیزات رسم الخط هم تقریباً با قدیم ترین شیوه ها همسری دارد و این نظریه ایست که بعد از نشر نمونه ها هوید خواهد شد. نا گفته نماند که سینه متذکره در صفحه ۱۱۰ در مورد جزوی از قسمت اول یا کل آن بصورت حتم تاریخ کتابت قبول میشود نه تاریخ تالیف یا تصنیف آن و تاریخ دوبادداشت که در صفحه ۱۹۷ قسمت دوم آمده نه تاریخ تالیف رساله یا رسایل و نه تاریخ کتابت آنها قبول شده میتواند فقط اینقدر را نمود میکند که رسایل قسمت دوم بحیث یک کتاب یا یک مجموعه در سال تحریر یادداشت‌های مذکور یعنی (۵۸۳ هجری قمری) وجود خارجی داشته است. پس تاریخ تقریبی تالیف رسایل مذکور از روی موضوع و سبک عبارات و تاریخ تقریبی کتابت آن از روی ممیزات رسم الخط تعیین شده میتواند و من بهر حال چون به دلایلی که ذکر شد اوراق فال نامه هر کب از دو مجموعه یا دو قسمت مشخص است درین دو حصه هم اولی دارای مضامین پراکنده و دومی شامل یکعده رسایل معینی میباشد در قسمت اولی از مباحث عمده و در قسمت ثانی از هر رساله بعضی نمونه های متن را اتخاذ میکنیم در آخر هر قسمت کتاب ممیزات رسم الخط را هم مطالعه خواهیم نمود.

نمونه های پرمشتم از قسمت اول کتاب

صفحه ۵۴ و ۵۵: پیشتر گفتیم که از نقطه نظر جنس کاغذ ۵۰ صفحه اول با قسمت دوم کتاب هم رنگ است. در صفحه ۵۳ که کاغذ آن نازک و نسبتاً سفید تر میباشد مضمون چنین شروع میشود: « دور کعت نماز کند از جهت مهر و دوستی ... » صفحه بعد (۵۴) چنین عنوان دارد: « حرز کامل و نام بزرگ درین حرز است » اینک نمونه اول نثر متن را ازین صفحه و صفحه بعد انتخاب میکنیم و بارسم الخط خودت می نویسیم:

« بسم الله الرحمن الرحيم »

سُبَّ مَعْرَاجِ بَيْغَا مَبْرُ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ بَدِيدِ لَوْحِي نَبِشْتَهْ اِزْ نَوْرِ بِنْخَطِ سَبْرِ
رَوَايْتِ كَنْدِ عَبْدِ اللَّهِ عَبَّاسِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ اِيْنِ حَدِيثِ وَسُو كَنْدِ يَادِ كَنْدِ بَدَانِ
خُدَايِ كِهْ جَزُو خُدَايِ دِيْكَرِ نَيْسْتِ كِهْ اِزْ بَيْغَا مَبْرِ عَلَيْهِ السَّلَامِ شَنْبِيدِمِ چَنْدِيْنِ

بار که کیفیت او امیدوارترین چیزها مرا این حرز است که نامه‌ها
 بزرگ درو بست شب معراج دیدم نبشته بر تخته از نور بخط سبز میان آن لوح
 و عرش هیچ حجاب نبود جبرائیل مرا خبر کرد و گفت اگر نه آنستی که امت
 تو همه طاعت شوندی و اعتماد بدین حرز کنندی و طاعت‌ها دیگر دست باز دارندی
 والا ترا خبر کنم از ثواب این حرز ولیکن خدای تعالی هر کرا حاجتست
 از انواع حاجت این دعا را بخواند من خاتمت کار او بر سعادت کنم پس
 آنک حق این دعا بجای آورده باشد گفت خدای عزوجل یا محمد کنه‌ها
 تو همه بیا مرزیدم و نعمت بر تو تمام کردم و بر راه راست بداشتم ترا و این
 نامه‌ها امتان ترا هدیه دادم و بعزت من که مرا بخواند بدین نامه‌ها حاجت کنم او را
 هر چه بخواد بدهم او را بعزت من که هر کس مرا بخواند او را این نامه‌ها حق شناسد درجت
 در بهشت بردارم او را و از هول روز قیامت ایمن کنم او را و من از او خوشنود باشم و برو
 رحمت کنم و اگر آرزو هاء که او راست بخواد بدهم در دنیا و اضعاف آن
 روز قیامت بدهم دوشمنان او را از روی باز دارم و دیورا برودست بدهم و علم
 و عبادت و فروتنی و استقامت کارها روزی کنم و بنظر رحمت دروی نکرم
 و اگر کسی این دعا بخواد خواندن و حاجت مهم نکارد نیم شب باید که
 برخیزد و آب دست تمام نیکو بکند و دور کعبت نماز کند به آهستگی و هر چه
 خواهد بخواند پس این دعا بخواند و هر چه بخواد او را باشد مگر ستم و چیزی
 که بزه باشد و محال نخواهد و دیگر هر چه باشد دنیائی و آخرتی بخواد هدبس
 گفت پیغمبر صلی الله علیه و سلم هر که خواهد که خدای او را دوست گیرد
 این دعا را بیا موزد نه بندارم که این دعا را جز نیکان امت من بیا موزند و بر
 خدای تعالی کمان راست کند و هفت بار بگوید .

نمونه دوم نشر از صفحه ۶۶ و ۶۷ :

روایت کنند که مردی را در روم در زندان کرده بودند سی و سه
 سال اندر آن زندان بمانده بود پس عهد کرد با خدای تعالی و گفت
 اگر مرا راحت آید حج کنم و کور پیغام مرا زیارت کنم پس

شبى بخواب دید کسی مرغى بیامد دران زندان و بمنقار آن دعا را بدو خواند بزبان فصیح این مرد بس دعا یاد گرفت سه شب بخوابند شب چهارم بخواب دید خویش تن را بر بام خانه خویش بیدار شد خود را بر بام خویش دید فرزندان و خویشان و برا بشنا ختمند بنزد يك وى شدند اول این دعا میخوانند و بس ایشانرا خبر داد از حال خویش و گفت من عهد کرده‌ام با خدای عزوجل که حج کنم امسال که آمده است آنکاه برفت و حج بکرد اندر طواف این دعا می خواند و مردی ازوی پرسید چونست این دعا از کجا آموختی که من این دعا را بروم آموختم از مرغی گفت راست گفتمی که من نیز از مرغی آموختم مرغیست اندر هوا معلق ایستاده این دعا هم میخواند و من یاد گرفتم هرگز نبود که مرا غمی پیش آید با حاجتی بود بخدای عزه و جل این جهانی و یا آن جهانی که خدای عزه و جل حاجت من روا کردی و هر که را غم و شادی پیش آمد این دعا را بخواند هرج از خدای عزه و جل بخواهد بیابد بحرمت این دعا و اگر کسی پیش سلطانی شود با بیش ستم کاری شده هر حاجتی که بخواهد حاجتش روا شود بحرمت این دعا اگر کسی را بیمی بود ایمن شود و اگر کسی را جادوی کرده باشند این دعا بنویسد و با خود بدارد جادوی بدو کار نکند و اگر کسی بخورد خورده باشد که بدان هلاک خواهد شد بر کاغذ بنویسد و بشوید آن کس را دهد تا بخورد عافیت یابد بحرمت این دعا هرک بر خود مقیم بدارد هرگز بدست ظالمی گرفتار نشود و هرک بددل بود دلیر گردد و هرک کاهل نماز بود این دعا بنویسد و زیر بالین بنهد حریص گردد و خدای عزه و جل به بیم نمازنا کردن در دلش افکند و هرک درین دعاشک کند والله اعلم و دعا اینست .

نمونه سوم از صفحه ۷۱ : تعویذ از جهت بیش رفتن سلطان و مملوکان و دشمنان و بدان که اگر در میان تیغ بران و آتش تیز در رود چون این نامها با او باشد یا بخواند بر خود دم بقدره خدای تعالی هیچ دشمن برو قادر نکردد و دست نیابد چون بیش سلطان روی بر بازوی راست باید بست و اگر در پوست شیر دوزد همه خلق ازو بهراسد این دعا را اسناد بسیار است مختصر کرده شد .
احمد علی کهزاد (باقی دارد)